



زندگینامہ و خدمات علمی و فرہنگی

علامہ محمد

اقبال اور لاہور

شاعر، فیلسوف و سیاست مدار



زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی

علامه محمد اقبال لاهوری



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

تهران - ۱۳۹۷

زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی

علامه محمد اقبال لاهوری



انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

تهران - ۱۳۹۷

زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی علامه محمد اقبال لاهوری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

عنوان و نام پدیدآور	: زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی علامه محمد اقبال لاهوری / تهیه و تنظیم مقالات نادره جلالی : ویراستار ولی الله محمدی.
مشخصات نشر	: تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۵ ص. ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
فروست	: سلسله انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: ۱۶۰ مجموعه زندگی نامه ها: [ج. ۱]، ۱۸۲.
شابک	: 978-964-528-275-0: ۲۸۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی	: فبا
موضوع	: سرگذشتنامه -- مجموعه ها
موضوع	: Biography -- Collections
موضوع	: اقبال لاهوری، محمد، ۱۸۷۷ - ۱۹۳۸
موضوع	: Iqbal, Muhammad, 1877 - 1938
موضوع	: شاعران پاکستانی (فارسی زبان) -- سرگذشتنامه
موضوع	: Poets, Pakistani (Persian) -- Biography
شناسه افزوده	: جلالی، نادره، ۱۳۴۶ -
شناسه افزوده	: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
شناسه افزوده	: Anjuman-i Asar va Mafakhir-i Farhangi
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۷ ج. ۱۸۲، ۲۸۲/۲/۲ CTT
رده بندی دیویی	: ۹۲۰/۰۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵/۱۳۲۰۷

فهرست مطالب

- ۷..... شخصیت متضلع علامه اقبال لاهوری و برزخیت زمانه حیاتش
حسن بلخاری قهپی
- ۱۵..... سال شمار.....
لیلا عبدی خجسته
- ۳۵..... کتاب شناسی.....
افانه شفاعتی
- ۴۳..... نگاهی تطبیقی به شعر اقبال.....
محمد بقایی (ماکان)
- ۶۷..... اقبال در سرزمین نیل.....
محمد حسین ساکت
- ۸۵..... خیال در آینه شعر اقبال.....
نرگس جابری نسب
- ۱۲۱..... گام به گام با فردوسی و اقبال.....
سیده فلیحه زهر کاظمی
- ۱۳۹..... نگاهی به اشعار اردوی محمد اقبال لاهوری.....
محمد عرفان
- ۱۵۳..... کوه و کهسار در شعر اقبال.....
خواجه اکرام
- ۱۶۷..... سهم اقبال در شناخت شعر بیدل در ایران.....
اخلاق احمد آهن

- عبدالمجید پروین رقم؛ یکی از خوشنویسان مجموعه‌های شعری اقبال ۱۸۱
محمد مسعودالحسن بدر، ترجمه لیلا عبدی خجسته
- شعرهای اردوی اقبال که به صورت ضرب‌المثل یا تکیه کلام معروف هستند... ۲۰۱
سمیع‌الله عبدالجبار
- امتداد عرفان ایرانی - اسلامی؛ از تبریز تا لاهور ۲۱۵
محسن شاهرضایی
- استاد سعید نفیسی و پاکستان ۲۲۱
خضر نوشاهی
- «طرز» کهن؛ «طراز» نو ۲۳۷
فرزاد زادمحسن
- بازدید اقبال از حیدرآباد هند ۲۶۱
محمود عالم، غلام معین‌الدین
- IQBAL: A MYSTIC POET ۲۷۱
عارف ایوبی
- تصاویر ۲۸۵
- تاریخ بزرگداشت‌ها و فهرست زندگی‌نامه‌ها ۳۰۳

بازدید اقبال از حیدرآباد هند

محمود عالم*

غلام معین الدین**

علامه محمد اقبال لاهوری در طول زندگی خود سفرهای بسیاری داشت. برخی از این سفرها خارجی و به کشورهای دیگر بود و برخی دیگر داخلی و به شهرهای مختلف هند بود. یکی از این سفرهای داخلی سفر به حیدرآباد دکن بود.

وی دو بار به حیدرآباد سفر کرد. برای اولین بار به مدت ۵ روز در سال ۱۹۱۰م به حیدرآباد سفر کرد. وی در این سفر مهمان مهاراجه «کشن پرشاد» نخست‌وزیر نظام حیدرآباد بود. اقبال در این سفر کوتاه در یک

* استادیار فارسی، بخش زبان‌های آسیایی، دانشکده مطالعات عرب و آسیایی، دانشگاه

انگلیسی و زبان‌های خارجی، حیدرآباد، هند

** استادیار فارسی، دانشکده مولانا آزاد، کلکته، بنگال غربی، هند

جلسه شعرخوانی در حیدرآباد نیز شرکت کرد. همچنین در این سفر از مقابر قطب‌شاهیان نیز بازدید کرد. وی بسیار تحت تأثیر بازدید از آرامگاه سلسله قطب‌شاهی قرار گرفت، تا آنجا که شعری به نام «گورستان شاهی» نوشت و در آن جاه و جلال و شکوه و فرهنگ گرانبهای گذشته پادشاهان سلسله قطب‌شاهی را یاد کرد. اقبال در این شعر تصویری از ظهور و سقوط قطب‌شاهیان به دست می‌دهد، تا عبرتی برای خوانندگان خود باشد.

دومین سفر وی به حیدرآباد بود. در این سفر در تالار «تاون حال» که ساختمان مجلس امروز ایالت است، سخنرانی کرد. سخنرانی وی بعدها در کتاب بازسازی اندیشه دینی در اسلام^۱ چاپ شد. وی سبب سفر خود به حیدرآباد را در نامه‌ای برای دوستش «عطیه‌بیگم» می‌نویسد. متأسفانه اطلاعات زیادی در خصوص سفرهای اقبال به حیدرآباد، دکن در دست نیست. سعی نویسنده در این مقاله بر آن است که سفرهای علامه اقبال لاهوری را به حیدرآباد از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار دهد و در این بررسی مواردی را که تاکنون به آنها پرداخته نشده است مورد توجه قرار دهد.

کلیدواژه: اقبال لاهوری، حیدرآباد، هند، قطب‌شاهیان.

علامه محمد اقبال لاهوری در طول زندگی خود سفرهای بسیاری داشت. برخی از این سفرها خارجی و به کشورهای دیگر بود و برخی دیگر

داخلی و به شهرهای مختلف هند بود. یکی از این سفرهای داخلی سفر به حیدرآباد دکن بود.

چون حیدرآباد گهواره علم و ادب بود، پس تعلق غایبانه اقبال به حیدرآباد از زمان دانشجویی وی آغاز شده بود. وی چند غزل خود را به زبان اردو برای اصلاح به خدمت میرزا خان دهلوی متخلص به داغ، شاعر اردو (درگذشت: ۱۹۰۵م) فرستاده بود. اقبال استادش را به قدری دوست می‌داشت که نامه‌ای به مولانا احسن مارهروی در ۲۸ ماه فوریه سال ۱۸۹۹م فرستاده بود و در آن نامه تصویر استاد داغ را خواسته بود.^۱ بعد از داغ، این تعلق غایبانه اقبال به حیدرآباد به سبب دوستی با مهاراجه کشن پرشاد تا سال ۱۹۱۰م و تا وقتی که به حیدرآباد سفر نکرده بود، برقرار بود. محمد اقبال اولین بار در ماه مارچ در سال ۱۹۱۰م به حیدرآباد سفر کرد^۲ و مهمان اکبرعلی نذرعلی حیدری و مهاراجه کشن پرشاد بود. حضرت جلیل مانکپوری (فصاحت جنگ)، ضیافتی به افتخار اقبال ترتیب داده بود. در این مجلس علاوه بر شعرا و ادبا، مولانا ظهیر دهلوی هم تشریف آورده بودند که علامه اقبال او را لایق احترام می‌دانست. شاعر مشرق با نظم طباطبایی در منزل نذرعلی حیدری ملاقات کرد، همان که اقبال نظم وی را با عنوان «گور غریبان» در زمان دانشجویی خود خوانده بود. در این ملاقات آقای نظم چند بیت در نعت [؟] سرود:

۱. برنی، سید مظفر حسین، کلیات مکاتیب اقبال، جلد اول، اردو آکادمی، دهلی: ۲۰۱۰م، ص

۲. احمد، سید شکیل، اقبال اور حیدرآباد، الکتاب پبلشرز، حیدرآباد: ۱۹۸۶م، ص ۱۱.

ناقه گردوں کی کھینچی لیلئی شب نی مہار

[ترجمہ: لیلی شب مہار ناقہ گردوں را کشید.]

بعد از آن اقبال بر همان زمینه شعر نظم، نظم معروف خود با عنوان «نمود سحر» سرود که بعداً در بانگ درا با عنوان «نمود صبح» شامل شد.^۱

هو رهی ہی زیر دامن افق سی آشکار

صبح، یعنی دختر دوشیزه لیل و نہار^۲

[ترجمہ: صبح، یعنی دختر دوشیزه لیل و نہار از زیر دامن افق

آشکار می‌شود.]

آقای حیدری، اقبال را شبی به آرامگاه سلسله قطب‌شاهیان برد. وی بسیار تحت تأثیر بازدید از آرامگاه سلسله قطب‌شاهی قرار گرفت، تا آنجا که شعری به نام «گورستان شاهی» نوشت که مشتمل بر ۵۸ بیت است و در آن جاه و جلال و شکوه و فرهنگ گرانبهای گذشته پادشاهان سلسله قطب‌شاهی را یاد کرد. اقبال در این شعر تصویری از ظهور و سقوط قطب‌شاهیان به دست می‌دهد، تا عبرتی برای خوانندگان خود باشد.

گورستان شاهی

شاعر مشرق در اقامت اروپا به دوست خود، «شیخ عبدالقادر» اظهار کرده بود که شعر سرودن را ترک خواهد کرد. بعداً به علت مشورت با استادش

۱. همان، ص ۱۲.

۲. کلیات اقبال، اردو، ایجوکیشنل بک هاوس، علیگره: ۲۰۰۶م، ص ۱۵۳.

«آرنولد» و دوستش تصمیم خود را ترک کرد.^۱ اما مانند گذشته به زبان اردو شعر نمی‌سرود بلکه بیشتر به زبان فارسی شعر می‌گفت. این از فیوضات سفر حیدرآباد بود که علامه دوباره به زبان اردو سرودن شعر را آغاز کرد.^۲

وقتی که اقبال از حیدرآباد برمی‌گشت، در وسط راه برای زیارت مقبره اورنگ‌زیب، به خلدآباد رفت. وی پس از برگشتن از حیدرآباد، اشعار فارسی درباره اورنگ‌زیب سرود^۳ که شامل ۲۶ بیت است و در مثنوی رموز بیخودی با عنوان «حکایت شیر و شهنشاه عالمگیر رحمت‌الله علیه» شامل است.

شاه عالم‌گیر گردون‌آستان

اعتبار دودمان گورکان

پایه اسلامیان برتر ازو

احترام شرع پیغمبر ازو

در صف شاهنشاهان یکتاستی

فقر او از تربتش پیداستی^۴

۱. همان، ص ۱۵.

۲. اقبال اور حیدرآباد، ص ۱۳.

۳. همان، ص ۱۳.

۴. کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، به تصحیح و اهتمام احمد سروش، تهران:

کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۸ ش، صص ۶۶-۶۷.

دانشگاه عثمانیه، اقبال را برای سخنرانی دعوت کرد. وی بار دیگر در ۱۴ ژانویه سال ۱۹۲۹م به حیدرآباد سفر کرد. وقتی که به ایستگاه قطار حیدرآباد (سکندرآباد) رسید، مردم بسیاری برای استقبال از وی آمده بودند و دانشجویان ترانه ملی او را با صوتی بسیار زیبا می‌خواندند. در ایستگاه سر اکبر حیدری، آقای انصاری، مدیر دروس دانشگاه عثمانیه، خلیفه عبدالحکیم (رئیس شعبه فلسفه)، مولانا عبدالله عمادی (دارالترجمه)، ابراهیم تونکی و دکتر مظفرالدین قریشی (رئیس شعبه کیمیا) و غیره حضور داشتند. اقامت وی را در دارالاضیاف دولتی^۱ «ویلاستا» ترتیب داده بودند که امروزه به دانشکده کارمندان اداری^۲ تبدیل شده است. اقبال در این سفر خودش در تالار «تاوون حال» که ساختمان مجلس امروز ایالت است، سخنرانی کرد. وی از تاریخ ۱۵ ژانویه تا ۱۷ ژانویه سه سخنرانی با عناوین ذیل داشت:

۱. علم اور مذهبی مشاهدات (Knowledge and Religious Experience)
۲. مذهبی مشاهدات اور فلسفیانہ معیار (The Philosophical Test of the Revelations of Religious Experience)
۳. ذات الہیہ کا تصور اور حقیقت دعا (The Conception of God and the Meaning of Prayer)

در این سفر وی در یک جلسه شعرخوانی که در منزل کشن پرشاد در ۱۵ ژانویه ترتیب داده شده بود، شرکت کرد. در این جلسه شاعران فارسی‌زبان و اردوزبان حضور داشتند. حیدریار جنگ طباطبایی، نواب ضیاء

1. Govt. Guest House
2. Administrative Staff College

یار جنگ، نواب عزیز جنگ، مسعود علی محوی، جوش ملیح آبادی،
نظام شاہ لبیب تیموری، میر کاظم علی باغ (شاگرد داغ دہلوی) و غیرہ در
این جلسہ شعر خواندند۔

در این جلسہ اقبال این شعر محوی را خواند:
نگاہ کردن دزدیدہام بہ بزم بہ دید

میان چیدن گل باغبان گرفت مرا

بہ قول پروفیسور مظفرالدین قریشی، وقتی کہ از اقبال خواستند کہ
شعری بسراید، وی این اشعار را کہ فی البداہہ سرودہ بود، خواند:
زندگی انجمن آرا و نگہدار خود است

ای کہ در قافلہ بی ہمہ شو با ہمہ رو

آن نگینہ کہ تو یا ابر مینان ساختہ‌ای

ہم بہ جبریل امین ناتوان کرد گردا

در این سفر عبداللہ چغتایی و محمدحسین چودھری با اقبال ہمراہ
بودند۔ در ۱۷ ژانویہ سر اکبر حیدری اقبال را بہ ناہار دعوت کرد و در این
دعوت، استادان دانشگاہ عثمانیہ و دیگر اکابر شہر دعوت شدہ بودند۔ در
این جلسہ عبدالرزاق راشد ہم تشریف داشت، وی قبل از چاپ شدن
بانگ درا، کلیات اشعار اقبال را چاپ کردہ بود۔ در ہمین شب سر امین
جنگ کہ منشی خصوصی نظام بود، اقبال را با افتخار بہ شام دعوت کرد

و به او اطلاع داد که نظام حیدرآباد برای ملاقات حضوری با وی تاریخ ۱۸ ژانویه، ساعت یازده صبح را مقرر کرده است. شهرت اقبال قبل از سفر اقبال در حیدرآباد بود و تا اکنون است. اقبال نیز شهر تاریخی حیدرآباد را دوست می‌داشت و با اهل حیدرآباد به وسیله نامه‌ها در ارتباط بود. در این سفر بود که وی دوباره به سرودن شعر اردو پرداخت. وی تأثیرات بزرگی از سفر به این دیار گرفته بود. پس، سفر شاعر مشرق به حیدرآباد تأثیر خاصی بر وی گذاشته بود و نیز بر این شهر هم تأثیر عمیقی گذاشت. به دنبال این سفر انجمنی به نام اقبال آکادمی حیدرآباد^۱ تأسیس شد. این آکادمی در سال ۲۰۱۰ جشن بزرگ صدساله بازدید اقبال را برگزار کرد. در این جلسه دانشمندان و اقبال‌شناسان بسیاری شرکت کرده بودند و مقاله‌هایی هم خوانده شد.

منابع

۱. اقبال اور حیدرآباد، سید شکیل احمد، الکتاب پبلشرز، حیدرآباد، ۱۹۸۶ء، صص ۱۱، ۱۹-۲۰.
۲. کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال لاهوری، اقبال لاهوری، بہ تصحیح و اہتمام احمد سروس، کتابخانہ ملی ایران، ۱۳۶۸ ش، صص ۶۷-۶۶.
۳. کلیات اقبال، اردو، اقبال، ایجوکیشنل بک ہاوس، علیگرہ، ۲۰۰۶ء، ص ۱۵۳.
۴. کلیات مکاتیب اقبال، جلد اول، مرتبہ: سید مظفر حسین برنی، اردو اکادمی: دہلی، ۲۰۱۰ء، ص ۶۲.



Society For The Appreciation of
Cultural Works And Dignitaries

183

Biography & Academic Life of Allameh Mohammad Iqbal Lahouri

www.anjom.ir



۳۸۰۰۰ تومان



شمس الرحمن فاروقی نمبر

ہندوستانی زبان

हिन्दुस्तानी ज़बान

سال : 7 شماره : 1 مہینہ : جنوری - مارچ 2021 صفحات : 84 قیمت : ₹ 70



اداریہ ۴

ہماری بات

مضامین:

۵ پروفیسر شاہد نوخیز

۱۳ رضوان اللہ فاروقی

۱۹ پروفیسر عزیز بانو

۲۴ ڈاکٹر زہرہ خاتون

۲۷ ڈاکٹر عبداللہ امتیاز احمد

۳۰ مشہود فاروقی

۳۲ عرفان اللہ فاروقی

۳۸ ڈاکٹر محمد طاہر

۴۲ فضل الرحمن

۴۴ ڈاکٹر راہی فدائی

۴۶ ڈاکٹر عبدالحمید

۵۰ ڈاکٹر افتخار احمد

۵۴ ڈاکٹر محمد قمر عالم

۵۹ ڈاکٹر محمد توفیق

۶۳ ڈاکٹر قیصر احمد

۶۷ ڈاکٹر سیدہ نسیم سلطانہ

۷۱ ڈاکٹر حفید احمد

۷۶ ڈاکٹر نسیم احمد

نقوش دبستان شمس "قصص البھیل فی سوانح الخلیل" کے آئینے میں

آسمان فاروقی کی کہکشاں

نگارشات شمس میں کلاسیکیت کی بازیافت

ہمارے نیر اعظم

شمس الرحمن فاروقی ایک منفرد غزل گو

میرے بڑے ابو

سفینہ چاہیے اس بحر بیکراں کے لیے

شمس الرحمن فاروقی اردو ادب کے گنج گراں مایہ

شمس الرحمن فاروقی ایک عبقری اور تابعدار شخصیت

شمس فلک تنقید پروفیسر شمس الرحمن فاروقی

مورخ نقاد: شمس الرحمن فاروقی

شمس الرحمن فاروقی کی رباعیاں

شمس الرحمن فاروقی کی فارسی شاعری

شمس الرحمن فاروقی بحیثیت شاعر

وزیر خانم: شمس الرحمن فاروقی کا ایک لازوال کردار

شمس الرحمن فاروقی کی ادبی صحافت، 'شب خون' کے حوالے سے

لغت نویسی کے فروغ میں شمس الرحمن فاروقی کا کردار "لغات

روزمرہ" کی روشنی میں

شمس الرحمن فاروقی: اردو تنقید کے سرخیل

پبلشر

فیروز این پی

(نئی دہلی) سکرٹری ہندوستانی پرچار سبھا

مدیر اعلیٰ

سنجیو گم

نائب مدیر

احرار اعظمی

قیمت:

70/- روپے فی شمارہ

سالانہ: 250/- روپے

بیرون ملک: 700/- روپے فی شمارہ

بیرون ملک سالانہ: 2500/- روپے

(دو سال سے زائد کا رسالہ قبول نہیں کیا جائے گا)

منی آرڈر/ چیک

'Hindustani Prachar Sabha'

کے نام سے بھجوائیں۔

پرنٹر و پبلشر جناب فیروز این پی، مالک ہندوستانی پرچار سبھا نے سنجیو گم کے زیر اہدات فارچون پرنٹ اینڈ پبلیکیشنز، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳،

شمس الرحمن فاروقی کی رباعیاں



ڈاکٹر افتخار احمد

ڈاکٹر افتخار احمد ۱۹۹۶ء سے معلّیٰ کے فرائض انجام دے رہے ہیں اور ۲۰۱۳ء سے مولانا آزاد کالج کلکتہ میں مستقل صدر شعبہ فارسی کی حیثیت سے درس و تدریس میں مشغول ہیں۔ انھوں نے انگریزی، فارسی اور اردو زبان میں کم و بیش پچاس مقالے لکھے ہیں جو موثر جرائد و رسائل میں شائع ہو چکے ہیں اور تقریباً پچاس سے زیادہ سیمینار میں شرکت کرنے کا شرف حاصل ہے۔ ان کی دو کتابیں ”گہانگ فارسی“ اور ”نقش ہائے رنگ رنگ“ شائع ہو چکی ہیں۔ افتخار احمد کارجمان اردو اور فارسی کے تقابلی مطالعے کی جانب رہا ہے اور اس حوالے سے کئی مقالے شائع کیے ہیں۔ رابطہ: +91 9052019047 / +91 9433114692

چلوں کہ اس مرد دانا کے اندر اللہ نے ایک حساس دل بھی دیا تھا اور اسی حسیت کی وجہ سے اس نے کئی اصناف ادب کو اپنی، دل کی سطح پر برتا، پرکھا اور خود شناسی کی اور یہ خود شناسی اسے اس بلندی پر لے گئی جہاں زندگی کی حقیقتیں اور سر نہاں واشگاف ہوتے ہیں۔ وہ اپنے تخلیقی کاسہ میں اس نادر رخ کی وہ تصویر بنالے گیا جسے ہم ایک اچھی شاعری سے تعبیر کرتے ہیں اور اس کا ثبوت اس وقت بہم پہنچتا ہے جب چار سمت کے دریا کے دیباچہ میں غالب کی وہ رباعی نظر آتی ہے جس میں اس کی تعلی کا اظہار بھی ہے۔ غالب یہاں خود ہی شاہد و خود ہی مشہود ہے۔ وہ آزاد فکر، اپنی روش کا مالک، خود کو پیش رو کا بھی امام گردانتا ہے۔ فکری اعتبار سے بھی، نہ کوئی اس کا ہمسر تھا، ہے اور نہ ہوگا۔ پہلے غالب کی رباعی دیکھ لیں:

غالب آزادۂ موحّد کیشم
بر پا کئی خویشتن گواہ خویشم
گفتنی بہ سخن برفنگان کس نرسد
از باز پسین نکتہ گذاران پیشم

غالب کی درج بالا رباعی بلاوجہ فاروقی کے مقدمے کی زبان نہیں بنی ہے۔ کچھ تو ہے؟۔ انسان جب زندگی کی جدوجہد میں کسی حصار سے اپنے آپ کو آزاد کرنے میں کامیاب ہو جاتا ہے تو اس کی ہر چیز دوسروں سے مختلف ہوتی چلی جاتی ہے۔ دور معاصر

بہر زمانہ اسلوبِ تازہ می گویند

حکایتِ غم فرہاد و عشرت پرویز

لفظ اپنی خصوصیات کے پیش نظر اہمیت کا حامل ہوا کرتا ہے۔ لفظ اگر نام کا حصہ قرار پا جائے تو اس کا براہ راست اثر جو ہر ذاتی پر ہوتا ہے۔ شمس کا کام ہی روشنی کرنا ہے خواہ وہ شمس تبریز ہو، شمس سراج عقیف یا کہ شمس الدین حافظ اور دور معاصر کا شمس تو فاروقی ہی ٹھہرے۔ شمس کی صوفیانیاں بھی خوب رہی۔ نقد، تحقیق، افسانے، ناول اور شاعری سب کا احاطہ کیا لیکن ہمیں تو یہاں ان کی شاعری میں رباعی سے غرض ہے۔ شاعری تخیل کے جوہر کی بنا پر اہم ہوا کرتی ہے۔ تخیل جس قدر تیز ہوتا ہے شاعر کو قید حیات و بند غم کے ساتھ زبان و مکان کی قید سے ماورا بنا دیتا ہے۔ رنج و خوشی ایک دوسرے میں ہم ہوتا ہے اور ایک ایسا چل پیش کرتا ہے کہ ہر سامع کو اپنی بات نظر آتی ہے۔ آفاقی سچائیاں تخیل کے پردے میں لپٹی عہد بہ عہد اپنا سلسلہ دراز کرتی ہوئی چلی جاتی ہے جس میں ماضی کے تجربے اور عصری وقوعے سے بلند ہو کر شعور و آگہی اور انسانی اقدار کی محافظت کی بات ہوتی چلی جاتی ہے۔ شمس الرحمن کیا اپنے عہد آفریں شاعر تھا؟۔ کیا اس کی شاعری میں عظیم شاعروں کی طرح ماضی و مستقبل گلے ملتے نظر آتے ہیں، اگر ایسا ہے تو اس کے حوالے سے باتیں آگے آئیں گی تاہم یہاں ایک بات کی طرف اشارہ کرتا



کے ہوں۔ مفاہیم کے درمیز اس وقت دراز ہو جاتے ہیں جب شراب پی کر مقامات معنوی کی سیر حاصل ہوتی ہے۔ ظاہری چیزیں اپنی معنویت کھودیتی ہیں اور باطن وہ نظام رائج ہو جاتا ہے جو قاری کو مجبور کرتا ہے کہ وہ بھی اس کا حصہ بن جائیں۔ ذیل میں دوسری رباعی دیکھیں، جس میں شاعر اس آتش سیال کا متمنی ہے جو برسوں کی بندگی کا حاصل ہوتا ہے لیکن یہاں الوعزی کی بات کی گئی ہے تاکہ خاک افتادہ کے لیے کھڑے ہونے کی توانائی مل سکے۔ جب محکوم کو اس کے حقوق حاصل ہوں گے تو چار سمت جہن انبساط کی بساط بچھے گی۔ سر کی عزت و حرمت کو نیگونی آسمان والے نے قائم رکھا تاہم وہ تو ایسی سعادت کا جو یا ہے جو بعد از مرگ بھی اس کی سرخروئی و سرفرازی کو قائم رکھنے کا سبب بن سکے۔ رباعی دیکھیں:

اک آتش سیال سے بھر دے مجھکو
اک جشن خیالی کی خبر دے مجھکو
اے موج فلک میں سراٹھانے والے
کٹ جائے تو روشن ہو وہ سر دے مجھکو

اسی قبیل کی مزید ایک رباعی دیکھیں کہ شاعر کنجشک کی تمثیل لاتا ہے لیکن کام اس سے شیر کا لینا چاہتا ہے۔ نرم و نازک پتیوں میں تلواری کی چمک ہو جو صرف ہیرے کے جگر کو پاش پاش کرنے کے کام نہ آئے بلکہ دلوں کے لیے افہام و تفہیم کا واسطہ بن جائے۔ باری تعالیٰ سے موثر اشارہ چاہتا ہے۔ اس رباعی میں تشبیہ اور استعارہ دونوں کا التزام کچھ اس طرح ہوا کہ رباعی گو کی عظمت کو تسلیم کیے بغیر نہیں رہا جاسکتا:

کنجشک کو چیتے سا جگر دے دینا
گل برگ کو بجلی کا ثمر دے دینا
ہے سہل تجھے مگر ہے سب سے آسان
بے تاب دعاؤں میں اثر دے دینا

فاروقی کے گلدستے میں ۵۷ گہبائے رنگ رنگ ہیں۔
پچھتر ہی کیوں؟ شاید عمر خیام کی تقلید ہے۔ نئی تحقیق نے خیام کی رباعیوں کی تعداد اتنی ہی لکھی ہے۔ اب مسئلہ یہی ہے کہ رباعیات کس سنج کی ہیں اور اس کا درجہ کیا ہو سکتا ہے؟ کیا قدما کے خیالات کی ترویج ہے یا پھر عصر حاضر کی گونج۔ سب سے پہلے ایک نظر اب تک

میں نہ شعرا کی کمی ہے اور نہ ہی دواوین کی۔ گزشتہ برسوں میں یہ دیکھا گیا ہے کہ شاعری کئی نچ پر کی جا رہی ہے۔ کبھی تو بالکل حالات حاضرہ کا بیان ہوتا ہے تو کبھی سماجی مسائل اس طرح بیان ہوتے ہیں کہ روزناموں کا ادارہ یہ معلوم ہوتا ہے۔ کبھی کبھی ایسا بھی دیکھا گیا ہے کہ خاطر طبع یا تفریحی اغراض و مقاصد کا دخل زیادہ اور رم زندگی، غم زندگی کے حقائق کا فقدان ہوا کرتا ہے۔ ایسی صورت حال میں رمزیات سے متصف شعرا اپنی لے اور اپنی بنیاد کے سہارے اپنا اسلوب وضع کر لے جاتے ہیں یا پھر اس جمالِ نادیدہ کی عکس گری کرنے کے لیے اپنی خاص روش کی بنیاد ڈالتے ہیں۔ انسان چونیوں کا جھنڈ نہیں کہ ایک راہ پر چلتا رہے۔ انسان اور انسانی بقا، اس کے مسائل اور اقدار کے تحفظ کی خاطر زمان و مکان کے قید و بند سے آزاد ہو کر اپنا خاص راستہ متعین کر لینا آفاق شناسی کی دلیل ہے۔ فاروقی کی رباعیات کا دامن جس قدر وسیع ہے اسی قدر ان کی شخصیت بھی گہری اور متنوع ہے۔ تنوع ہو تو گردشِ ایام اور تغیرات بھی شاعری میں در آتے ہیں۔ فاروقی کی بھی اپنی روش اور اپنا اسلوب ہے تاہم قدرے مشکل۔ رباعی کا فن ہی مشکل ہے۔ ”غلطان غلطان ہمی رود تائب گود“ کی صدائے بازگشت رباعی کہنے پر مجبور کرتی ہے لیکن جب اس کے سفر طولانی پر نظر جاتی ہے تو ہر شاعر خود کو بے بس پاتا ہے۔ ایسی صورت میں کامیابی کے ساتھ رباعی کہنا ہر کس و ناکس کی بات نہیں ہوتی۔ شمس الرحمن فاروقی کی رباعیاں کم و بیش اچھی ہیں اور ان میں بھی کچھ صفات ایسی موجزن ہیں جو قدما کا طرہ امتیاز رہا ہے۔ یہاں ایک رباعی دیکھیں:

ہر آگ کو نذر خس و خاشاک کروں
ہر سیل کو برباد سر خاک کروں
آہنگ 51784 میں معنی کی شراب
کہہ دے تجھے کس درجہ میں بے باک کروں

رباعی میں شونہ بھی ہے اور زورِ بیان بھی، شاعرانہ کمالات اس قدر موجزن ہے کہ قوتِ ایجاد معانی نکھر آتی ہے۔ خس و خاشاک آگ کے حوالے کرنے کی جرأت وہی کر سکتا ہے جو اندر اپنی جگر رکھتا ہو۔ سیلاب پر وار وہی کر سکتا ہے جس کے پنے فولاد



شمس الرحمن فاروقی نمبر

اسی قبیل کی دوسری رباعی بھی دیکھ لیں جس میں حقیقت کو چھو کر دیکھنا محال نہیں بلکہ آسان ہے۔ لمبیاتی حس کی بیداری شاعر کو اس طرح کا شعر کہنے پر مجبور کرتی ہے۔ مضمون سادہ، لفظیات آسان اور حقیقت کی چیخ خوب سنائی دیتی ہے:

چہرے کی حقیقت مٹی پانی پھول
میدان کی وسعت مٹی پانی پھول
اے رشتہ نوشین میں لپٹی ہوئی موت
ہم جیسوں کی نخوت مٹی پانی پھول
فاروقی نے رباعیوں میں لفظ آتش بھی متضاد کی صورت میں تو کبھی مترادفات کی صورت میں مختلف مضامین کے لیے خوب باندھا ہے۔ جیسے آتش سیال، آتش سرد خفتہ، گرم تھی ہواؤں میں، شعلہ نغم، دوری کی روشنی، شعلہ خس پوش، ہر آگ، مرجھاتی شعاع اور پتھر میں شرر وغیرہ درج بالا لفظیات کئی سطحوں پر اپنی معنویت ظاہر کرتے ہیں جنہیں تشبیہ، تلمیح، استعارہ، کنایہ اور مجاز کے زمرے میں با آسانی رکھا جاسکتا ہے۔ چونکہ شاعر خود ایک بڑا عروضی تھا لہذا ان کی رباعیوں میں ان تمشیلات کا درآنا کوئی بعید نہ تھا۔ ٹھیک اسی طرح لفظ مٹی کو بھی شاعر نے کئی طرح سے برتا ہے ایک مثال دیکھیں:

مٹی ہیں، ہوں گے ہی زمیں کا پیوند
پھیلے ہوئے چار سمت اصلاً پابند
ہم جڑ سے اکھاڑے ہوئے اشجار کے جڑ
گلشن نہ دم از خود یاراں چہ کنند

یہاں ایک اہم نکتہ قابل غور یہ ہے کہ فاروقی کی رباعیاں ہندوستانی فضا میں سانس لیتی ہیں۔ ہندی الفاظ خوب برتے گئے ہیں تاہم فارسی تراکیب و معانی سے وہ دامن نہیں بچاتے بلکہ زور بیان کے لیے فارسی مصرع لگا کر رباعی مکمل کرتے ہیں۔ مصرعے بھی ایسے چست و درست کہ اہل زباں کا گماں ہوتا ہے۔ مثال اوپر گزری کہ ہر گلزار کے لیے ایک مالی کی ضرورت ہے اور یہی قانون قدرت بھی اس فطرت کے خالق ہی کو بقا ہے ورنہ پوری کائنات میں خواہ، شجر و حجر، برق و رعد، روہنی دریا، زمین و آسمان ہوں یا آفتاب و مابتاب یہ سب کسی کے پابند ہیں اور پوری کائنات کسی منبع کے تحت آراستہ ہے۔ سفر کا آغاز جہاں سے ہوا تھا انجام بھی وہیں ہے۔

کی مقبول رباعیوں کے موضوعات پر نظر ڈالیں۔ ہمیں خالق مخلوق، بے ثباتی دنیا، انسان محض مجبور اور فلسفہ کائنات اور علم و حکمت جیسے چیدہ مضامین ملتے ہیں۔ فاروقی کی رباعیاں بھی ان موضوعات سے الگ نہیں، انسان کی بنیادی ضرورت روٹی اور نمک کے بلیغ اشارہ کے ساتھ انسانی مشقتوں کا حاصل ہے تو دوسری طرف انسانی رفعت و بلندی کے گرتے مناروں کا ماتم بھی:

مٹی کی عجب خانہ خرابی دیکھوں
پانی میں نیا رنگ گلابی دیکھوں
آندھی نے گرا دئے گھر وندے سارے
نخعی گریا کی بے حجابی دیکھوں

فاروقی کی رباعیوں میں عصری حسیت، زمانہ نو کی تلاش، پستی و بلندی، وقت کی سرد مہری، جہل و نادانی، راحت و آرام، دنیائی لگاؤ، بے ثباتی دنیا، عارضی پڑاؤ، مخلوق کا مقصد، خالق کی حقیقت، عمر کا دھلنا، بے ثمر زندگی، غافل انسان، تکالیف، احترام بشریت، محبت و مودت، تقدیر و تدبیر، حیات و ممات، تہذیب و تمدن، خون آلود منظر، باغات و سبزہ زار، دشت و صحرا، مسرت و شادمانی، بے وفائی، خدا کی ثنائی و کاریگری، انسانی عظمت، اللہ کی عطا و بخشش، خود شناسی، خس پوش، حجرہ کم نور، آتش سیال، نیم شبی، دشت ایمن، کانٹوں کا جنگل، آتش سرد، تارِ نفس، باغِ خزاں، غارِ شب وغیرہ مضامین یا تلازے کی صورت میں ملتے ہیں۔ ان کا یہ مضمون دیکھیں کہ انسان فانی ہے، یہاں کسی کو بقا نہیں۔ یہ سرائے ہے یہاں ایک آتا ہے، تو دوسرا جاتا ہے۔ تمام زندگی کے تنگ و دو کا حاصل آخر فنا آخر فنا۔ یہاں جن مناسب لفظیات کا استعمال ہوا ہے وہ نہایت ہی عمدہ ہیں جیسے پیڑ کا جہان، بل کھانا۔ جوانی کی مثال اس برف جیسی ہے جو ہو 52/84 کو محفوظ نہیں رکھ سکتا، نتیجہ کارِ پگھل کر اپنا وجود بھی ہودیا ہے۔ سر یہ کہ کسی چیز کو یہاں ثبات حاصل نہیں ہے، اس طرح کے مضامین قدما کے یہاں بکثرت ملتے ہیں تاہم فاروقی نے جن لفظیات کا استعمال کیا ہے وہ انھیں دوسروں سے منفرد بناتا ہے۔

اے سر بہ فلک پیڑ جوانی رک جا
بل کھاتے سر پگھلتے پانی رک جا
اے برف پہ طوفان تعاقب کے سوار
فانی ہے سب فانی، فانی رک جا

کی ربوبیت کا برملا اظہار، بندہ اور خدا کے درمیان شویانہ بحث وغیرہ ایسے موضوعات رہے جن پر صوفیاء نے سینکڑوں رباعیاں کاڑھ لیں۔ فاروقی صوفی تھے یا نہیں اس سے مجھے کیا غرض؟ اگر غالب کے کچھ اشعار کو تصوف کا لباس پہنا کر پیش کیا جاسکتا ہے۔ مسائل تصوف کی دہائی دی جاسکتی ہے۔ ولایت کا بھی دعویٰ کیا جاسکتا ہے لیکن غالب بہت ذہین و فہم تھا اس لیے یہ کہہ کر اپنا ہاتھ کھینچ لے گیا کہ سب ٹھیک ہے لیکن بادہ خواری اس کے راہ سلوک میں دیوار بنی کھڑی ہے۔ شمس الرحمن فاروقی کی رباعیات کا مجموعہ چار سمت کا دریا کے کلید پر نظر ڈالیں، یہاں ابوسعید ابی الخیر کی رباعی نظر نواز ہوگی۔ جیسا کہ پہلے بھی عرض ہوا کہ کوئی بھی چیز بلا وجہ اور بے سبب نہیں، طبیعت تصوف سے لگا کھاتی تھی، ابوسعید وہ پہلا شاعر ہے جس نے رباعی کے فن میں تصوف کی گل کاری کی۔ ان کی تتبع میں تمام آنے والوں نے اپنی رباعیوں میں علوی خیالات کو برتنا لازم جانا، فاروقی کیوں پیچھے رہتے۔ انھوں نے بھی اپنی رباعیوں میں ان موضوعات کو باندھا ہے جو راہ ارتباط و سلوک کی منزلیں طے کرادے۔ ذیل کی رباعی دیکھیں کہ یقیناً پیہم کا جادو کس طرح سرچڑھ کر بولتا ہے:

یرینی میداں سے گزرتا پھر بھی
تنہا غارِ شب میں اترتا پھر بھی
تو کچھ ہے، گر وہم بھی یکسر ہوتا
میں تیرے دریا سے ابھرتا پھر بھی
مختصر یہ کہ فاروقی کا کلام اپنی ندرت اور تازگی کے لیے کئی عہد کا سفر کرے گا۔ شمس الرحمن فاروقی بظاہر فنا ہو چکا لیکن باطن جہاں وہ اپنے کئی فن پاروں میں زندہ رہے گا وہیں اس کی رباعیات بھی ہیں اس کے کلام میں ان استعاروں کا التزام ہے جسے ہر دور میں حقیقت پر مبنی رہا ہے، دنیا کی اپنی ایک حقیقت ہے اور آسمان بھی اس سے منفصل نہیں، اصل یا بنیاد حقیقی ہو تو صورت خواہ جتنی بدلے اس کا جوہر ہر حال میں اپنی شناخت قائم رکھنے میں کامیاب رہتا ہے۔

☆☆☆

ہاتفِ غیب کی صدائیں ہر وقت کوچ کا نثارہ بجاتی ہیں۔ ذیل کی رباعی کو دیکھیں کہ شاعر نے کس ایجاد و معانی سے کام لیا ہے اور فارسی کا مصرع لگا کر رباعی کو اختصار کے ساتھ مکمل کیا ہے۔ اس مصرع میں ”کس بہ ناکس گوید“ کہہ کر تجاہلِ عارفانہ سے کام لیا گیا ہے:

پستی بھی ہے اک طرح بلندی کی حد
فانی کو پکارتی ہے آوازِ ابد
ممکن ہے سنے برگ بھی حرفِ طوفاں
صد ہا است خن کس بہ ناکس گوید

محاکاتِ شعری کا التزام خوب ملتا ہے، جب طبیعت موضوع ہو تو کارگاہِ طبع سے اشعار خوب اور اچھے نکلتے ہیں لیکن جب شاعر تمام شعر کے فنی نکات اور بلاغت کی رمزیت سے واقف ہو تو ایسی صورت میں جو بات پکی روشنائی میں کہی جاتی ہے وہ عیوب سے پاک ہوا کرتی ہے۔ ہاں اگرچہ کچھ اصطلاحیں نا فہم یا دیر فہم ہوتی ہیں تاہم شاعر کی عظمت پر کوئی حرف نہیں آتا۔ یہاں ایک رباعی دیکھیں جس میں شاعر نے چوڑی کی کھنک کو فغاں کہا ہے۔ یہاں معاملہ یہ ہے کہ جب نابود، ہستی کے قالب میں دھلتا ہے تو کئی مراحل سے گزر کر عدم ہستی ہو جاتا ہے۔ اب پورے سراپے کو دیکھئے۔ زندگی کی بہاروں پر نظر ڈالیں، یہ بات اب ناقابلِ فہم نہیں رہی۔ انسانی پوست کے نیچے گوشت۔ پھر ہڈیوں کا چھری نما دراز سلسلہ، چشم کی بناوٹ کمان نما، جس سے نکلے تیرے شکاری، خود کار

53/84

اور حنائی ہاتھوں کی چوڑی نقارہ سفر ابدی کا اعلان کرتی ہے:

ہڈی میں چھری گماں ہے میں نے جانا
ہر آنکھ کڑی کماں ہے میں نے جانا
گہری بھاری ضرب کو گلِ بوسہ کہا
چوڑی کی کھنک فغاں ہے میں نے جانا

رباعیات نے صوفیوں کے دامنِ محبت میں خوب پرورش پایا۔ بڑے بڑے صوفیوں نے اقوالِ زریں پر مٹی افکار کے گہر لٹائے۔ حکمت و دانائی، فلسفہ زندگی اور خیر شر کی نشاندہی، توبہ کی تلقین، رب



ISSN-2394-9635

ARABIC-PERSIAN STUDIES

**Annual Journal
Department of Arabic and Persian
University of Calcutta**



**VOLUME- XI
2021-2022**

UNIVERSITY OF CALCUTTA

Content

Sl.	Contributors	Topic	Pages
1	Dr. Syeda Shariqatul Moula Alquadri	Maulana Abul Kalam Azad – An Educationist	6 - 10
2	Dr. Syed Md. Iqbal Shah Alquadri	NATIONAL LIBRARY OF INDIA: A repository and preserver of Persian manuscripts	11 - 19
3	Dr. Husna Bano	Edward Stack's Persian knowledge in the light of his travelogue "Six Months in Persia"	20 - 30
4	Dr. Md. Alimuddin	Advent of Sufism in Bengal	31 - 38
5	Dr. Syed Mustafa Murshed Jamal Shah Al-Quadri	A Brief Study of the Life and Works of Tawfiq Al Hakim	39 - 58

NATIONAL LIBRARY OF INDIA:

A repository and preserver of Persian manuscripts

By

Dr. Syed Md. Iqbal Shah Alquadri

Assistant Professor, Department of Persian

Maulana Azad College

Abstract: The libraries of India have played a significant role in preserving our cultural heritage and identity in form the of manuscripts and rare books. There are a number of important libraries and institutions which have become a store-house of Arabic, Persian and Urdu manuscripts. Persian manuscripts are in such a number that cannot be counted easily. Among the libraries of India the National library of India (Kolkata) deserves special mention. This article is based on the contribution of National Library and its different sections in preserving and saving them from destruction.

Keywords: National Library, Persian, manuscripts, repository, preservation,

The National Library is one of the oldest libraries of India which is famous for preserving valuable, old and rare books and manuscripts in Arabic, Persian, Urdu and different languages. In this article, efforts have been made to acquaint the readers with the Persian manuscripts only, preserved in the National Library and its different sections. It has become rich with the rare Persian books, rotographs and manuscripts donated by historians and scholars of Bengal. Established in 1836 A.D. this library is regarded as one of the largest



ISSN-2394-9635

ARABIC-PERSIAN STUDIES

**Annual Journal
Department of Arabic and Persian
University of Calcutta**



**VOLUME- X
2020-2021**

UNIVERSITY OF CALCUTTA

Content

Sl.	Contributors	Topic	Pages
1	Dr. Md. Shakeel	Contour of the Development of Persian Studies in Deccan in Pre-Colonial India	4 - 11
2	Dr. Syeda Shariqatul Moula Alquadri	James Atkinson – A Persian Scholar of Bengal	12 - 18
3	Dr. Syed Mustafa Murshed Jamal Shah Al-Quadri	Najib Mahfuz in the Light of his Novels	19 - 31
4	Dr. Syed Md. Iqbal Shah Alquadri	Indian Flora in the Mirror of Indo-Persian Literature	32 - 39
5	Dr. Umar Khayyam	Iraqi : A Leading Exponent of Mystical Persian Literature	40 - 45
6	Aminul Islam	Mahmud Taimur as a nature-loving short story writer: a description with special assertion of Fi Khamilat Al-Hubb and Suhbat Al-Ward	46 - 53

INDIAN FLORA IN THE MIRROR OF INDO-PERSIAN LITERATURE

by

Dr. Syed Md. Iqbal Shah Alquadri,
Assistant Professor, Deptt. of Persian
Maulana Azad College, Kolkata

The Muslim emperors came to India during the late medieval period and made this land their abode. At first they were not accustomed with the Indian climate, culture, and society. But gradually, they absorbed the Indian culture and civilization. The beautiful and fertile land of India, its mountains and hills, rivers and streams, fruits and flowers, plants and trees attracted their attention. They were so much impressed by the charm of nature in India that they even forgot their own homelands. Many of them believed India a paradise of fruits and flowers and they represented a very admirable picture of Indian flora. We find a number of such writings in Persian literature which are full of passion and admiration for the land of India.

Amir Khusrau¹, the greatest Persian poet of India was a true patriot. The epithet, *Tuti-e- Hind* (Parrot of India) was conferred upon Khusrau by the luminaries of India in recognition of his poetic excellence. In one of his poetic compositions "*Ejaz-e-Khusravi* he speaks of grapes, guavas and apples; oranges and scores of other fruits. He calls mango and banana to be the elixir of human life. The garden abounds in ever green flowers surcharged with an atmosphere of sweet fragrance; branches ringing with fascinating notes of the ringing birds. The crow was changing its home from tree to tree, the kite flying, the banyan standing like a giant, though not allowing trees to grow under it yet the grass was enjoying its little life; branches moving to and fro and with them flowers nodding their heads."²

Amir Khusrau has mentioned a number of Indian plants and flowers in his historical masnavis(riming poems) *Qiran-us-Sa'dain* and *Dewalrani Khizir Khan*. These plants and flowers were used to decorate the gardens of contemporary Sultans of Delhi. The name of plants/trees include Baid (willow), Chunar (lime) , Sunbul (hyacinth) , Shamshad (box tree), Sarv (cypress) and flowers are Nargis (Narcissus), Gul-e-Bela (bela flower), Gul-e-Zarrin (Golden Flower), Gul-e-lal (Red Flower), Raihan (Sweet Basil), Gul-e-Sufaid (White Flower), Yasmine (Jasmine), Nilofar (morning glory), Champa, Dhak, Juhi,